

## رویکردی شناختی به یک فعل چندمعنای ترکی آذربایجانی

یوسف حضرتی

مریی گروه زبان و زبان شناسی، دانشگاه پیام نور، صندوق پستی ۳۶۹۷-۱۹۳۹۵، تهران، ایران

## چکیده

هدف از تحقیق حاضر بررسی چندمعنایی فعل /müṣahidə etmək/ (مشاهده کردن) در زبان ترکی آذربایجانی از شناختی است. این تحقیق توصیفی - اسنادی است و سعی شده تا معانی گوناگون فعل براساس رویکرد معنی‌شناسی شناختی مورد تحلیل قرار گیرد و توصیفی از روابط موجود میان این معانی ارائه گردد و علت وجود این روابط بیان شود. جهت نیل به این هدف پیکره‌ی زبانی مورد استفاده در این پژوهش پایگاه داده‌های زبان ترکی آذربایجانی از جمله فرهنگ‌های لغت، کتاب‌ها، مجلات، روزنامه‌ها و شم زبانی نویسنده می‌باشد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که برای فعل /müṣahidə etmək/ (مشاهده کردن) حدود ۶۳ کاربرد و بعد از طبقه‌بندی آن‌ها ۱۵ معنا استخراج گردید. همچنین آن‌ها نشان می‌دهند که چندمعنایی و استعاره پدیده‌ای نظام‌مندند و عواملی همچون استعاره و مجاز در شکل‌گیری و توصیف آن دخیلند و این امر باعث بسط معنایی و نهایتاً منجر به چندمعنایی فعل می‌شود، به این ترتیب شبکه گسترده معنایی فعل شکل می‌گیرد و از سوی دیگر استعاره نقش پر رنگ‌تری نسبت به مجاز در شکل‌گیری چندمعنایی و کاربرد فعل در بافت‌های گوناگون دارد و بالاخره با توجه به مقوله‌بندی معنای اولیه (سرنمون)، برخی معانی مرکزی‌تر و برخی حاشیه‌ای‌تر به حساب می‌آیند.

**واژه‌های کلیدی:** "زبان ترکی آذربایجانی"، "معنی‌شناسی شناختی"، "چندمعنایی"، "استعاره"

## ۱- مقدمه

زبان‌شناسی شناختی مکتبی از تفکر زبان‌شناسی است که ریشه در علوم شناختی جدید دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ و سنت‌های اولیه‌ی روان‌شناسی گشتالتی دارد. تاکید اصلی این مکتب بر اهمیت نقش معنی، فرایند مفهوم‌سازی تجربیه‌ی کالبدی شده در مطالعه‌ی زبان و ذهن و روش تعامل آن‌ها با یکدیگر است.

در حیطه‌ی زبان‌شناسی شناختی، معنی‌شناسی شناختی از اهمیت خاصی برخوردار است و مطالعه‌ی آن از بنیادی‌ترین مباحث زبان‌شناسی شناختی است. اصطلاح معنی‌شناسی شناختی، نخستین بار از سوی لیکاف (۱۹۸۰) مطرح شد. وی نگرشی را معرفی کرد که بسیاری از معنی‌شناسان را مجذوب خود ساخت. بر اساس این نگرش، دانش زبانی مستقل از اندیشیدن و شناخت نیست و معنی‌شناسی زبانی اساساً مبتنی بر شناخت است.

یکی از مهم‌ترین موضوعات مورد بحث در معنی‌شناسی شناختی، استعاره است. لیکاف (۱۹۹۲) در خصوص ماهیت استعاره بیان می‌کند که استعاره سازوکار اصلی است که از طریق آن مفهوم‌های انتزاعی را درک می‌کنیم و دست به استدلال انتزاعی می‌زنیم. بسیاری از مطالب، از پیش پا افتاده‌ترین موضوع‌ها گرفته تا پیچیده‌ترین نظریه‌های علمی فقط از طریق استعاره درک می‌شوند. همچنین استعاره به ما امکان می‌دهد موضوعی نسبتاً انتزاعی یا ذاتاً فاقد ساختار را بر حسب موضوعی عینی‌تر یا دست کم ساخت‌مند تر درک کنیم.

یکی از مفاهیم مهم دیگر معنی‌شناسی شناختی، چندمعنایی است. چندمعنایی یعنی کاربرد یک عنصر زبانی در معانی مختلف. اعتقاد معنی‌شناسان شناختی در باره چندمعنایی این است که آن کاملاً نظام‌مند بوده و این قوه‌ی شناخت انسان است که بر نوع و میزان چندمعنایی نظارت دارد. از این رو، مطالعه‌ی چندمعنایی از دیدگاه معنی‌شناسی شناختی این امکان را به وجود می‌آورد که سازوکارهای ذهن و قوه‌ی شناخت انسان بیشتر و بهتر شناخته شوند.

در اکثر زبان‌ها به ویژه، در زبان ترکی آذربایجانی، چندمعنایی و کاربرد استعاری واژگان و عبارات بسیار متداول و رایج است که برای بیان تجربه‌ی درونی و درک مفاهیم انتزاعی به کار می‌روند. در این زبان، واژگان و عبارات زیادی وجود دارد که دارای معانی متعدد می‌باشد. به عبارت دیگر، چندمعنا و به صورت استعاره‌اند. از جمله‌ی این واژگان، افعال دیداری است که علاوه بر این که نشان دهنده‌ی عمل دیدن می‌باشند، بسته به موقعیت‌شان برای بیان فهم، درک، دانش، نور، دانایی و غیره نیز به کار می‌روند. در این زبان، فعل /müṣahidə etmək/ (مشاهده کردن) جزو

1 - G. Lakoff  
2 - metaphor  
3 - polysymy



افعال دیداری است که علاوه بر دلالت بر معنی واقعی‌اش، برای بیان تجربه‌ی درونی، درک مفاهیم انتزاعی و بیان جنبه‌های مختلف شناخت به کار می‌رود.

با توجه به مطالب ذکر شده می‌توان گفت که چندمعنایی و استعاره در زبان‌ها از اهمیت فراوانی برخوردارند. چرا که مطالعات و پژوهش‌هایی از این دست باعث غنی‌تر شدن تحقیقات زبان‌شناسی می‌گردد. تحقیقاتی که در مورد چندمعنایی و استعاره در کشور ایران انجام یافته، بیشتر آن‌ها استعاره و موضوعات مربوط به آن را در زبان فارسی بررسی کرده‌اند و بعضی از آن‌ها فقط به جنبه‌ای از استعاره پرداخته‌اند. ولی با توجه به این که در کشور ایران، زبان‌های مختلفی وجود دارد و مطالعات و پژوهش‌ها در مورد هر کدام از آن‌ها باعث گسترش زبان‌شناسی می‌شود، لذا توجه به تحقیقات زبان‌های دیگر نیز از اهمیت خاصی برخوردار است. از آن جا که در کشور ایران، هیچ تحقیقی درباره‌ی چندمعنایی و استعاره در زبان ترکی آذربایجانی انجام نیافته است. بنابراین، هدف از تحقیق حاضر بررسی چندمعنایی و حالت استعاری فعل دیداری /*müşahidə etmək*/ (مشاهده کردن) در زبان ترکی آذربایجانی در چارچوب معنی‌شناسی شناختی و جواب دادن به سوالات زیر می‌باشد:

۱- چندمعنایی و حالت استعاری فعل دیداری /*müşahidə etmək*/ (مشاهده کردن) به چه صورت می‌باشد؟

۲- معنای اولیه‌ی ۴ و معنای حاشیه‌ای فعل دیداری /*müşahidə etmək*/ از نظر شناختی چیست؟

۳- سازوکارهای شناختی از قبیل: انواع استعاره مفهومی و مجاز و غیره چه نقشی در چند معنایی فعل دیداری /*müşahidə etmək*/ دارند؟

## ۲- دیدگاه نظری

اصطلاح معنی‌شناسی شناختی که نخستین بار به همت جورج لیکاف (۱۹۸۷) مطرح شد، باب جدیدی را در نگرش به معنا باز کرد. نگاهی که معنی‌شناسی شناختی به زبان و رفتار زبانی انسان دارد، دقیقاً همانند نگاه به سایر قوای شناختی هم چون قوه‌ی بینایی، استدلال و جز آن است. معنا در واقع مفهومی است که در اثر کاربرد یک صورت زبانی و تجربه‌ی عینی و یا حسی یک موقعیت در ذهن شکل می‌گیرد و این تجسم مجدداً در ساخت‌های زبان منعکس می‌شود. به عبارت دیگر، مقولات ذهنی انسان از طریق تجربیات او شکل می‌گیرند. معنی‌شناسان شناختی بر این باورند که انسان از هر تجربه به مفهوم سازی می‌پردازد و ساخت‌های زبان در اثر کاربرد در شرایط مختلف، اشکال متفاوتی می‌یابند و منجر به مفهوم سازی‌های مختلف می‌شوند.

مفاهیم و مباحثی مانند استعاره مفهومی، مجاز، چندمعنایی، مقوله‌بندی، معنای اولیه، شی متحرک و مرزنا، حوزه مبدا و مقصد، فضاهای ذهنی و طرحواره‌های تصویری و چند مفهوم دیگر را می‌توان در حوزه‌ی معنی‌شناسی شناخت گرد آورد. در زیر بعضی از این مفاهیم توضیح داده می‌شود.

## الف- استعاره مفهومی

طبق تعریف لیکاف (۱۹۸۰) استعاره عبارت است از: فهم و تجربه چیزی به واسطه چیزی از نوع دیگر. لیکاف در نظریه معاصر استعاره ابعاد و جزئیات این تعریف کلی را به صورت دقیق‌تر و صحیح‌تر بیان می‌کند. در این نظریه استعاره الگوبرداری میان حوزه‌ای در نظام مفهومی به شمار می‌آید که در آن حوزه مقصد ۶ که انتزاعی‌تر است به طور نسبی از روی حوزه مبدا ۷ که عینی‌تر است الگوبرداری می‌شود. وی این الگوبرداری را نگاشت ۸ در همان تعبیر ریاضی می‌نامد. به نظر لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) نظام تصویری ذهن بشر که اندیشه و عمل ما بر پایه آن قرار دارد در ذات خود استعاری است. از منظر این دو نظریه‌پرداز، استعاره ابزاری است برای مفهوم‌سازی یک تجربه انتزاعی بر اساس تجربه‌ای ملموس‌تر. بنابراین، هر استعاره‌ای دو وجه دارد: یک مبدا و یک مقصد.

## ب- مجاز

مجاز ۹ کلمه یا جمله‌ای است که در غیر معنی اصلی به کار رود و بین معنی حقیقی و ثانوی علاقه وجود داشته باشد. بنابراین، رابطه‌ای بین معنای حقیقی و ثانوی کلمه را علاقه گویند. کایکنز (۲۰۰۲) مجاز را به این صورت تعریف می‌کند. مجاز فرایندی شناختی است که در آن یک عنصر مفهومی دسترسی ذهنی به عنصر مفهومی دیگر را در درون یک حوزه فراهم می‌آورد.

## ج- چندمعنایی

4 - prototype  
5 - metonymy  
6 - target domain  
7 - source domain  
8 - mapping  
9 - metonymy



کلمه‌ها معمولاً دارای بیش از یک معنا هستند و وقتی این معانی با هم در ارتباط قرار می‌گیرند به آن چندمعنایی می‌گویند. از دیدگاه لیکاف (۱۹۸۷) چندمعنایی‌ها نرم‌های زبانی هستند نه استثنات. لیکاف استدلال می‌کند که واحدهای واژگانی را باید همانند مقوله‌هایی مفهومی دانست که از طریق سرنمون‌ها سازمان می‌یابند. تحقیقات بره آل ۱۰ را می‌توان به عنوان نقطه شروع در خصوص مطالعات چندمعنایی دانست. گاردارد (۲۰۰۰) بیان می‌کند که چندمعنایی شرایطی است که یک واحد واژگانی چند معنی داشته باشد. همچنین تایلر (۱۹۹۵) اعتقاد دارد که چندمعنایی عبارت از تداعی دو یا چندمعنا که همه‌ی آن‌ها با یک شکل زبانی واحد در ارتباطند.

#### د- معنای اولیه (سرنمون)

معنای اولیه معمولاً در سنت، معنای حقیقی یک لفظ نامیده می‌شود. برحسب همین سنت معنای اولیه همان معنایی است که واضع به هنگام وضع لفظ در نظر داشته است. معنای اولیه یک لفظ پربسامدترین معنای آن لفظ می‌باشد. یوسفی راد (۱۳۸۷) معتقد است که "به طور کلی یک عامل مهم در تعیین معنای اولیه میزان شباهت خانوادگی در مفهوم است، آن نمونه‌های مفهوم که بیشترین تداخل مفهومی با دیگر نمونه‌های همان مفهوم را دارند و کمترین تداخل مفهومی را با مفاهیم مجاور دارند معنای اولیه به شمار می‌آیند. به طور کلی آن معنایی، معنای اولیه است که دارای بیشترین تعداد از ویژگی‌های زیر باشد: ۱- معنایی که بقیه‌ی معنی‌ها به اقتصادی‌ترین صورت ممکن از آن اشتقاق می‌یابند. ۲- معنایی که محدودیت‌های کمتری در انتخاب شی متحرک و رمزما دارد. ۳- معنایی که با افعال دیگر نمی‌شود، بیان‌ش کرد."

#### ۳- پیشینه تحقیق

به عقیده سویتسر (۱۹۹۰) وقتی عبارات مربوط به ادراک به صورت استعاری به کار می‌روند، بین حالات مختلف ادراک و انواع مختلف تجربه‌ی درونی همبستگی و ارتباط وجود دارد. اگر این مشاهده را به بینایی، شنوایی و حس لامسه محدود کنیم، نوعی همبستگی و ارتباط، همانند آن چه در جدول (۱) نشان داده شده است، وجود خواهد داشت.

جدول (۱) همبستگی بین ادراک و شناخت

حالت ادراک	تجربه درونی	مثال های زبانی
بینایی	عینی	تشخیص دادن
شنوایی	ذهنی و ارتباطی	اطاعت کردن
لامسه	احساسی	احساس

این همبستگی‌ها و ارتباطات را می‌توان به صورتی منطقی توصیف کرد. سویتسر می‌گوید بینایی، منبع اولیه‌ی ما برای اطلاعات و داده‌های عینی است. همچنین مطالعات مربوط به فراگیری زبان کودک نشان می‌دهد که درک بصری شاید مهم‌ترین کمک به کودک در حال رشد و توسعه جهت شناسایی محیط پیرامونی باشد (کلارک، ۱۹۷۶، ۴۴۹: ۴۶۲). همچنین زبان‌شناسانی مثل لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) نشان دادند که عبارات مربوط به ادراک به صورت استعاری برای توصیف تجربه‌ی درونی به کار می‌روند. بوئرز (۱۹۹۷) نیز در پژوهشی تحت نام "زمانی که یک حوزه‌ی مبدا جسمانی برجسته می‌شود" آزمون‌های مرتبط با رفتار استعاری در حوزه‌های مقصد خاص را بیان می‌کند و به توضیح این موضوع می‌پردازد که چطور استعاره مفهوم‌سازی انتزاعی را میسر می‌کند. به باور وی حوزه‌ی مبدا در مقایسه با حوزه‌ی مقصد نگاشت‌های استعاری کاربرد بیشتری دارد و در تجربه‌ی روزمره‌ی ما نمایان تر است.

ایبارتکس آنتونیانو (۱۹۹۹) در پژوهش خود واژگان ادراکی فیزیکی و واژگان احساسات درونی را درسه زبان انگلیسی، باسکی و اسپانیایی براساس کارسویتسر "بررسی افعال ادراکی زبان انگلیسی" بررسی کرده و نتیجه گرفته که قلمرو استعاری و پردازش ذهنی این افعال خیلی وسیع‌تر از قلمرو است که توسط سویتسر پیشنهاد شده است. برای مثال وی عنوان کرده که فعل «شیندن» که فعلی شنیداری است در قلمرو استعاری، نه تنها به اطاعت کردن و اعتنا کردن مربوط می‌شود، بلکه مرتبط با دانستن و درک کردن نیز هست. همچنین فعل "بو کردن" که فعلی بویایی است در قلمرو پردازش ذهنی، نه تنها به احساسات بیزاری دلالت دارد، بلکه به بررسی کردن و گمان کردن نیز مربوط می‌شود. فعل "دیدن" که فعلی دیداری است در قلمرو استعاری، نه تنها معنای پیش بینی کردن و یافتن دارد، بلکه به معنی تصور کردن و درک کردن نیز هست و بر این اساس فعل "مزه کردن" که فعلی چشایی است نه تنها دلالت بر تجربه کردن و دانستن دارد، بلکه به لذت بردن و تنفر داشتن نیز مربوط می‌شود. همچنین اسچوسترم (۱۹۹۸) در تحقیقی استعاره و چندمعنایی واژگان دیداری را بر اساس چهار مقوله‌ی ادراک بصری، ویژگی‌های درک

10 - Gardard

11 - Goddard

12 - J. Taylor

13 - E. Sweetser

14 - E. Clark

15 - Ibarretxe-Antuñano

16 - S. Sgöstrom



کننده، ویژگی‌های درک شونده و علت ادراک در زبان سوئدی بررسی کرده و نشان داد که کاربرد چندمعنایی و استعاری واژگان دیداری در زبان سوئدی نه تنها مربوط به افعال، بلکه مربوط به اسامی و صفات نیز می‌شود.

نچیووا (۲۰۰۸) پژوهش خود را به بررسی استعاره‌های مفهومی خصوصاً استعاره مفهومی "از دیدن تا فهمیدن" در زبان انگلیسی اختصاص داده است. وی در این تحقیق بعد از بررسی فعل دیدن بیان کرده که این فعل دارای معانی اصلی به صورت زیر است:

۱- دریافت از طریق چشم‌ها

۲- فهمیدن، دانستن، بدست آوردن، درک کردن

۳- در نظر گرفتن، قضاوت کردن، توجه کردن، بررسی کردن، فکر کردن

۴- تجربه کردن، طی کردن، عبور کردن

۵- یافتن، چک کردن، محقق کردن

۶- مطمئن شدن، اطمینان یافتن، دقت کردن

گلفام و ممسنی (۱۳۸۷) در مقاله‌ای تحت عنوان بررسی راهبردهای شناختی استعاره و کنایه‌ی تصویری در اصطلاح‌های حاوی اعضای بدن به طور کلی به بررسی استعاره‌ها و کنایه‌های تصویری در اصطلاح‌های زبان فارسی در چارچوب معنی‌شناسی شناختی می‌پردازند. به باور آن‌ها نمی‌توان ادعا کرد معنای استعاری و کنایه‌ی اصطلاح‌ها از معنای تک تک اجزای تشکیل دهنده آن‌ها متفاوت است. محمدی (۱۳۸۸) نیز به موضوع بسط‌های معنایی بدن واژه‌ها در زبان فارسی پرداخته است. داده‌های این پژوهش را ساخت‌های حاوی تکواژهای دال بر اعضای بدن که در معنایی غیر از معنی اصلی خودشان به کار رفته‌اند تشکیل می‌دهند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که در زبان فارسی جهت یابی اشاره‌ای را عمدتاً در مورد حروف اضافه‌ی مکان می‌توان یافت و جهت یابی فضایی‌ای که در قلمروهای نحوی اسم، صفت و قید دیده می‌شود، بیشتر از نوع جهت‌یابی شی‌ای اشاره‌ای است.

پورابراهیم و دیگران (۱۳۹۱) در مقاله‌ای به بررسی تحلیل مفهوم سازی‌های استعاری مبتنی بر وضعیت قرارگرفتن بدن انسان (ایستادن و نشست) در زبان قرآن می‌پردازند. تحقیق آن‌ها در چارچوب نظریه‌ی استعاره‌ی مفهومی انجام شده است. بررسی عبارات زبانی حاوی مفاهیم ایستادن و نشستن در زبان قرآن نشان می‌دهد که استعاره‌های ایستادن و نشستن برای مفهوم‌سازی مفاهیم دینی به شکلی کاملاً منسجم به کار رفته‌اند. این نوع الگوبرداری‌ها، حاصل همبستگی‌های تجربی میان مفاهیم مبدأ و مقصد است، ولی محتوای دینی قرآن بر انتخاب نوع مفاهیم مقصد تأثیرگذار است. همچنین سلطانی کفرانی (۱۳۹۱) پژوهش خود را به مطالعه‌ی چندمعنایی افعال ساده‌ی حرکتی زبان فارسی در چارچوب معنی‌شناسی واژگانی شناختی اختصاص داده است. هدف از این پژوهش بررسی میزان و کارایی ساز و کارهای معنی‌شناسی واژگانی شناختی از جمله استعاره، طرحواره‌های تصویری و مقوله‌بندی سرنمون در توجیه و توصیف چندمعنایی افعال حرکتی زبان فارسی است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که چندمعنایی پدیده‌های نظام‌مند بوده و عواملی هم چون تبدیل طرحواره‌ی تصویری و استعاره در شکل‌گیری و توصیف آن دخیل‌اند. شقاقی زاده ارزق (۱۳۹۲) نیز به بررسی تطبیقی استعاره‌های مفهومی، در دو زبان فارسی و ترکی پرداخته و بر آن بوده تا در تبیین این مسئله بکوشد که آیا استعاره‌های شعری در شعر یک شاعر دوزبانه (مانند شهریار) زبان-وابسته است یا خیر؟ مبنای نظری این پژوهش، طبقه‌بندی لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) از استعاره‌های مفهومی در قالب استعاره‌های ساختی ۱۸، جهت‌یابی یا سویه‌مند ۱۹ و هستی‌شناختی ۲۰ بوده است. دهقان (۱۳۹۲) در پژوهشی در صدد بررسی چند معنایی واژگان انگلیسی در قالب نظریه معنی‌شناسی شناختی برآمده است تا به بررسی دشواری‌های یادگیری واژگان انگلیسی با استفاده از اصول و مفاهیم مطرح شده در زبان‌شناسی شناختی از قبیل مقوله‌بندی، چندمعنایی، استعاره، مجاز، طرحواره‌های تصویری، مقوله‌های شعاعی و امثال آن‌ها بپردازد. و پس از تحلیل معنایی واژگان انگلیسی مشخص گردید که معنایی واژگان با استناد به راهکارهای نظری معنی‌شناسی شناختی قابل طبقه‌بندی هستند.

محرابی (۱۳۹۳) پژوهش خود را به بررسی معنی‌شناختی فعل رفتن در غزلیات حافظ اختصاص داده و بعد از بررسی تعدادی از غزلیات نتیجه گرفته که در غزلیات حافظ به جز چند مورد، فعل رفتن اغلب در معنایی غیر از "حرکت فیزیکی از جایی به جای دیگر" به کار رفته است. مفاهیم انتزاعی بیان شده با فعل رفتن عبارتند از: مردن، گذر زمان، وجود داشتن و متحمل شدن، عاشق شدن، طلب معشوق، وصال، آغاز و اتمام کار، رد کردن و ثبات. موسوی و دیگران (۱۳۹۳) نیز در مقاله‌ای به بررسی واژه‌ی "دیدن" از منظر معنی‌شناسی قالبی که چگونه معنای برخی از واژه‌ها در تجارب روزمره و دانش پیش‌زمینه انسان‌ها وجود دارد پرداخته‌اند. آن‌ها در این مقاله به دنبال این هستند تا قالب‌های معنایی فعل "دیدن" را یافته و از یک سو روابط و تفاوت‌های بین فعل "دیدن" و فعل‌های هم‌معنا نظیر "مشاهده کردن"، "تماشا کردن"، "نگاه کردن" و غیره را بیان کنند و از

17 -B. Nechybova

18 - structural metaphor

19 - unidirectional metaphor

20 - ontological metaphor

سوی دیگر، چندمعنایی فعل "دیدن" را در قالب‌های متعدد مشخص نمایند. از تحلیل داده‌ها نتیجه زیر به دست آمد: رابطه‌ی بین قالب‌های متعدد با قالب "ادراک پایه-چشمی" عامل ایجاد چندمعنایی فعل "دیدن" شده است.

#### ۴- روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع توصیفی - اسنادی بوده و در آن سعی شده تا معانی گوناگون فعل دیداری /müṣahidə etmək/ (مشاهده کردن) زبان ترکی آذربایجانی براساس رویکرد معنی‌شناسی شناختی مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد و توصیفی از روابط موجود میان این معانی ارائه گردد و علت وجود این روابط بیان شود. جهت نیل به این هدف پیکره‌ی زبانی مورد استفاده در این پژوهش پایگاه داده‌های زبان ترکی آذربایجانی از جمله فرهنگ‌های لغت، کتاب‌ها، مجلات، روزنامه‌ها و شم زبانی نویسنده می‌باشد. مبنای پژوهش زبان ترکی آذربایجانی معیار و ترکی آذربایجانی محاوره‌ای بوده و کاربردهای قدیمی این افعال مورد نظر نبوده‌اند. برای معادل سازی واژگان و عبارات ترکی به زبان فارسی از فرهنگ لغت «فارسی - آذربایجانی» در دو جلد، تالیف بهزاد بهزادی (۱۳۷۷) انتشارات نشر نخستین، استفاده می‌شود.

#### ۵- تحلیل فعل /müṣahidə etmək/ (مشاهده کردن)

فعل دیداری دیگری که در این پژوهش مورد تحلیل قرار می‌گیرد فعل دیداری /müṣahidə etmək/ (مشاهده کردن) می‌باشد که معنای اولیه آن عبارت است از: با چشم دیدن. زیرا این معنا زودتر از معانی دیگر به ذهن می‌آید، از همه‌ی معانی دیگر ملموس‌تر است و معنایی است که در توانایی یا قابلیت روشن کردن معانی دیگر اساسی‌تر می‌باشد و از همه مهم‌تر معنایی که با افعال دیگر نمی‌شود، بیان شود. بهزادی (۱۳۷۶)، ج ۳ بیان می‌کند که فعل دیداری /müṣahidə etmək/ (مشاهده کردن) به معنی:

(با دقت نگاه کردن) Diqqət ilə baxmaq

می‌باشد. با مطالعه‌ی بافت‌های مختلف فعل دیداری /müṣahidə etmək/ (مشاهده کردن) از کتاب‌ها، روزنامه‌ها، مجلات، لغت‌نامه‌ها و نشریات دیگر زبان ترکی آذربایجانی حدود ۶۳ کاربرد از این فعل استخراج شد و ۱۵ معنا، یک معنای اولیه و ۱۴ گروه معنای حاشیه‌ای بعد از طبقه‌بندی و انتزاع گونه‌های بافتی ارائه گردید. ۶۳ کاربرد فعل دیداری /müṣahidə etmək/ (مشاهده کردن) به صورت زیر است:

۱- با چشم دیدن

۲- تعقیب کردن، ۳- دنبال کسی افتادن

۴- حس کردن، ۵- احساس کردن

۶- گردش کردن، ۷- گردیدن، ۸- سیر کردن، ۹- گشتن، ۱۰- تفریح کردن

۱۱- پاییدن، ۱۲- دیده‌بانی کردن، ۱۳- نگهبانی کردن، ۱۴- پاسداری کردن، ۱۵- کمین کردن

۱۶- پذیرفتن، ۱۷- قبول کردن، ۱۸- موافقت کردن

۱۹- بررسی کردن، ۲۰- بازرسی کردن، ۲۱- رسیدگی کردن

۲۲- رعایت کردن، ۲۳- ملاحظه کردن، ۲۴- مراعات کردن

۲۵- انتظار کشیدن، ۲۶- چشم نهادن، ۲۷- منتظر ماندن

۲۸- یافتن، ۲۹- بدست آوردن، ۳۰- پیدا کردن

۳۱- تجربه کردن، ۳۲- یاد گرفتن، ۳۳- به سر آمدن

۳۴- عیادت کردن، ۳۵- به دیدار بیمار رفتن، ۳۶- دیدار کردن، ۳۷- سرزدن، ۳۸- زیارت کردن، ۳۹- ملاقات کردن، ۴۰- مواجه شدن، ۴۱-

برخورد کردن، ۴۲- راست آمدن، ۴۳- تصادف کردن

۴۴- درک کردن، ۴۵- دانستن، ۴۶- حالی شدن، ۴۷- فهمیدن، ۴۸- گرفتن، ۴۹- پی بردن

۵۰- نظارت کردن، ۵۱- تحت نظر گرفتن، ۵۲- در نظر گرفتن، ۵۳- نظر کردن، ۵۴- نظاره کردن، ۵۵- دیدن، ۵۶- مشاهده کردن، ۵۷- نگاه

انداختن، ۵۸- رصد کردن

۵۹- اعتنا کردن، ۶۰- توجه کردن، ۶۱- دقت کردن، ۶۲- سنجیدن، ۶۳- تمرکز کردن

پانزده معنای فعل دیداری /müṣahidə etmək/ (مشاهده کردن) بعد از طبقه‌بندی و انتزاع گونه‌های بافتی به صورت زیر است:

۱- با چشم دیدن

۲- /sondamaq/ (تعقیب کردن)

۳- /his etmək/ (حس کردن)، /ehsas etmək/ (احساس کردن)

۴- /dolanmaq/ (گردش کردن)

-۵ /göz olmaq/ (پاییدن)، /qorumaq/ (نگهبانی کردن)

-۶ /qəbul etmək/ (پذیرفتن)

-۷ /arqamaq/ (بررسی کردن)

-۸ /gözləmək/ (رعایت کردن)

-۹ /göznəmək/ (انتظار کشیدن)

-۱۰ /tapmaq/ (یافتن)

-۱۱ /təcrübə etmək/ (تجربه کردن)

-۱۲ /yoluxmaq/ (عیادت کردن)، /görüsmək/ (ملاقات کردن)

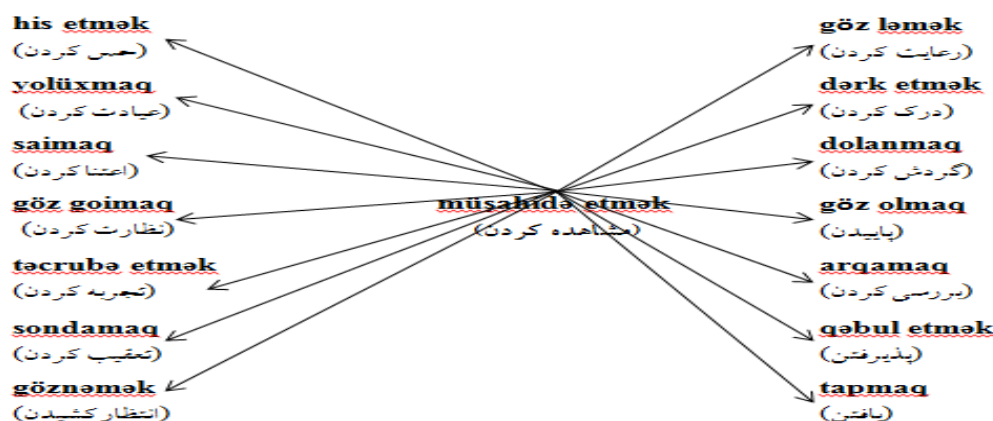
-۱۳ /anlamaq/ (فهمیدن)، /dərək etmək/ (درک کردن)

-۱۴ /göz goımaq/ (نظارت کردن)، /görmək/ (دیدن)

-۱۵ /saimaq/ (اعتنا کردن)، /max vermək/ (توجه کردن)

با توجه به معنی اولیه و معانی حاشیه‌ای شبکه‌ی معنایی فعل /müşahidə etmək/ (مشاهده کردن) به صورت زیر می‌باشد:

(نمودار ۱) شبکه‌ی معنایی فعل دیداری /müşahidə etmək/ (مشاهده کردن)



استعاره‌های فعل دیداری /müşahidə etmək/ (مشاهده کردن) همراه با بافتی که در آن استفاده شده‌اند به صورت زیر می‌باشد:

1- "his etmək müşahidə etmək dir"

"حس کردن مشاهده کردن است"

Mən onu qəribə bir halda müşahidə etdim.

او را در حال عجیب حس کردم.

۲- "dərək etmək müşahidə etmək dir"

"درک کردن مشاهده کردن است"

Müdür təlimverənnərin çətinliklərini müşahidə etdir.

مدیر مشکلات معلمان را درک کرد.

۳- "təcrübə etmək müşahidə etmək dir"

"تجربه کردن مشاهده کردن است"

Noxişliqə qabağdan müşahidə etmişdir.

او بیماری را قبلاً تجربه کرده بود.

۴- "sondamaq müşahidə etmək dir"

"تعقیب کردن مشاهده کردن است"

Oların işlərini müşahidə edirdim.

کار آن‌ها را تعقیب می‌کردم.

۵- "dolanmaq müşahidə etmək dir"

"گردش کردن مشاهده کردن است"

Meşəni müşahidə etmək üçün olar ora getdilər.

برای گردش کردن جنگل آن‌ها به آن جا رفتند.

۶- "göz ləmək müşahidə etmək dir"

"رعایت کردن مشاهده کردن است"

Yasaları gərək müşahidə eliyək.

قوانین را باید رعایت کرد.

۷- "qəbul etmək müşahidə etmək dir"

"پذیرفتن مشاهده کردن است"

İstəkləri müşahidə etdim.

درخواست‌ها را پذیرفتم.

۸- "saimaq müşahidə etmək dir"

"اعتنا کردن مشاهده کردن است"

Müdür fəhlələrin istəklərini müşahidə etdi.

مدیر تقاضاهای کارگران را سنجید.

9- "tapmaq müşahidə etmək dir"

"یافتن مشاهده کردن است"

Yoldaşın xiyabanda müşahidə etdir.

دوستش را در خیابان یافت.

10- göz goımaq müşahidə etmək dir"

"نظارت کردن مشاهده کردن است"

O zavod işləm düzəlməsini müşahidə etdir

11- "göz olmaq müşahidə etmək dir"

Gecələr zavod qapsını müşahidə etdir.

12- "yoluxmaq müşahidə etmək dir"

Məhdi müşahidə etmək üçün onun evinə getdik.

13- "göznəmək müşahidə etmək dir"

Əsgər qonaq gəlmək üçün qapını edirdi.

14- "arqamaq müşahidə etmək dir"

Fələlərin çətinlihləri müşahidə oldu.

او عملیات ساخت کارخانه را نظارت می کند.

"پاییدن مشاهده کردن است"

نگهبان، شب ها کارخانه را می پایید.

"عیادت کردن مشاهده کردن است"

برای عیادت مهدی به خانه ی او رفتیم.

"انتظار کشیدن مشاهده کردن است"

عسگر برای آمدن مهمان انتظار می کشید.

"بررسی کردن مشاهده کردن است"

استعاره های فعل /müşahidə etmək/ به زبان آذربایجانی

استعاره های فعل /müşahidə etmək/ به زبان فارسی

his etmək müşahidə etmək dir

dərk etmək müşahidə etmək dir

təcrübə etmək müşahidə etmək dir

sondamaq müşahidə etmək dir

dolanmaq müşahidə etmək dir

göz ləmək müşahidə etmək dir

qəbul etmək müşahidə etmək dir

saimaq müşahidə etmək dir

tapmaq müşahidə etmək dir

göznəmək müşahidə etmək dir

göz goimaq müşahidə etmək dir

göz olmaq müşahidə etmək dir

yoluxmaq müşahidə etmək dir

arqamaq müşahidə etmək dir

حس کردن مشاهده کردن است

درک کردن مشاهده کردن است

تجربه کردن مشاهده کردن است

تعقیب کردن مشاهده کردن است

گردش کردن مشاهده کردن است

رعایت کردن مشاهده کردن است

← müşahidə etmək/

(مشاهده کردن)

← اعتنا کردن مشاهده کردن است

← یافتن مشاهده کردن است

← انتظار کشیدن مشاهده کردن است

← نظارت کردن مشاهده کردن است

← پاییدن مشاهده کردن است

← عیادت کردن مشاهده کردن است

← بررسی کردن مشاهده کردن است

بعضی از استعاره های فعل دیداری /müşahidə etmək/ (مشاهده کردن) را چون با حواس و تجربیات ذهنی تقریباً یکسانی درک می شوند

می توان آن ها را تحت یک استعاره کلی تر یعنی استعاره "عملکرد ذهن چشم است" بیان کرد. این استعاره ها عبارتند از:

his etmək müşahidə etmək dir	حس کردن مشاهده کردن است
dərk etmək müşahidə etmək dir	درک کردن مشاهده کردن است
təcrübə etmək müşahidə etmək dir	تجربه کردن مشاهده کردن است
sondamaq müşahidə etmək dir	تعقیب کردن مشاهده کردن است
saimaq müşahidə etmək dir	اعتنا کردن مشاهده کردن است
tapmaq müşahidə etmək dir	یافتن مشاهده کردن است
göznəmək müşahidə etmək dir	انتظار کشیدن مشاهده کردن است
göz goimaq müşahidə etmək dir	نظارت کردن مشاهده کردن است
göz olmaq müşahidə etmək dir	پاییدن مشاهده کردن است
yoluxmaq müşahidə etmək dir	عیادت کردن مشاهده کردن است
arqamaq müşahidə etmək dir	بررسی کردن مشاهده کردن است

بقیه استعاره‌ها چون با حواس و تجربیات ذهنی متفاوت درک می‌شوند هر کدام از آن‌ها به عنوان یک استعاره مستقل در نظر گرفته می‌شوند. بنابراین، اگر به جای همه ی استعاره های بالا استعاره "beyin gözdir" "عملکرد ذهن چشم است" را قرار دهیم، جدول استعاره‌های فعل دیداری /müşahidə etmək/ (مشاهده کردن) به صورت زیر خواهد شد:

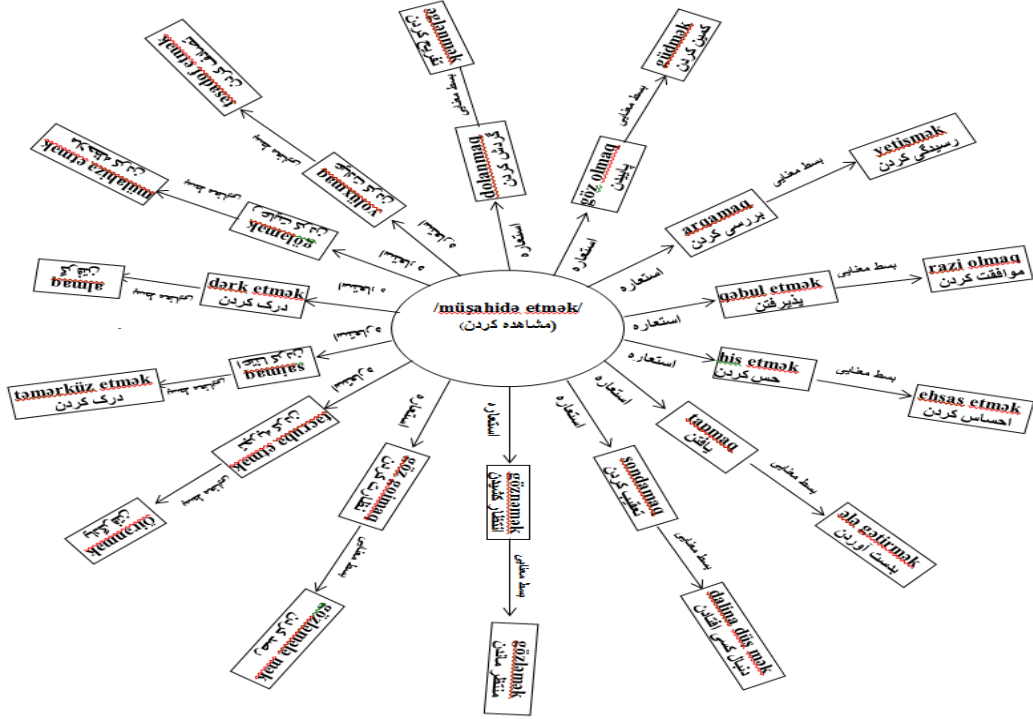
<b>bevin gözdir</b>	عملکرد ذهن چشم است		←
<b>dolanmaq müşahidə etmək dir</b>	گردش کردن مشاهده کردن است	←	<b>/müşahidə etmək/</b>
<b>göz ləmək müşahidə etmək dir</b>	رعایت کردن مشاهده کردن است	←	(مشاهده کردن)
<b>qəbul etmək müşahidə etmək</b>	پذیرفتن مشاهده کردن است	←	←

همان طوری که می‌دانیم استعاره یک موضوع جهانی و جزو جهانی‌ها و همگانی‌های زبان‌هاست. یعنی استعاره در همه‌ی زبان‌های نوشتاری و گفتاری وجود دارد، ولی نوع‌شان با هم فرق می‌کند. بعضی از استعاره‌های فعل دیداری /müşahidə etmək/ (مشاهده کردن) ترکی آذربایجانی با استعاره‌های فعل دیداری "مشاهده کردن" زبان فارسی و فعل دیداری "observe" زبان انگلیسی یکسانند. با وجود این، استعاره‌های زیر مختص فعل دیداری /müşahidə etmək/ (مشاهده کردن) ترکی آذربایجانی است:

təcrübə etmək müşahidə etmək dir	تجربه کردن مشاهده کردن است
sondamaq müşahidə etmək dir	تعقیب کردن مشاهده کردن است
dolanmaq müşahidə etmək dir	گردش کردن مشاهده کردن است
göz ləmək müşahidə etmək dir	رعایت کردن مشاهده کردن است

همه‌ی معانی حاشیه‌ای فعل دیداری /müşahidə etmək/ (مشاهده کردن) بیشتر در نتیجه استعاره مفهومی از نوع ساختاری است. بدین صورت که حوزه مقصد که یک چیز انتزاعی است از طریق حوزه مبدا که یک چیز ملموس و عینی است درک می‌شود. برای مثال "درک کردن مشاهده کردن است" یعنی فعل درک کردن که یک فعل انتزاعی است از طریق فعل مشاهده کردن که نسبت به فعل درک کردن ملموس‌تر است درک می‌شود.

با توجه به معانی حاشیه‌ای و سازوکار شناختی نظیر استعاره شبکه‌ی استعاری و بسط معنایی فعل دیداری /müşahidə etmək/ (مشاهده کردن) به صورت زیر می‌باشد:





در معانی زیر چون بین فعل دیداری مورد مطالعه و معانی دو حوزه‌ی ذهنی دخیل است، بنابراین، سازوکار شناختی که در رابطه با آن‌ها نقش دارد استعاره است. این معانی عبارتند از: his etmək (حس کردن)، dərək etmək (درک کردن)، təcürbə etmək (تجربه کردن)، sondamaq (تعقیب کردن)، dolanmaq (گردش کردن)، göz ləmək (رعایت کردن)، tapmaq (یافتن)، qəbul etmək (پذیرفتن) saımaq (اعتنا کردن)، yoluxmaq (عیادت کردن)، arqamaq (بررسی کردن)، göz goımaq (نظارت کردن)، göznəmək (انتظار کشیدن) و göz olmaq (پاییدن). پس می‌توان چنین استنباط کرد که چندمعنایی پدیده‌ای نظام‌مند بوده و معنای اولیه فعل دیداری/ etmək /müşahidə (مشاهده کردن) زبان ترکی آذربایجانی به کمک سازوکار شناختی به ویژه استعاره به معنای دیگر آن مربوط می‌شود. این فرایند باعث بسط معنایی و در نتیجه چندمعنایی فعل مورد نظر در زبان ترکی آذربایجانی می‌گردد و به این ترتیب شبکه گسترده معنایی فعل شکل می‌گیرد که با توجه به مقوله‌بندی پیش‌نمونه برخی معانی فعل مرکزی تر و برخی حاشیه‌ای تر به حساب می‌آیند.

#### ۶- نتیجه گیری

مهم‌ترین نتیجه‌ی تحقیق حاضر به این صورت است که همه‌ی معنای حاشیه‌ای فعل دیداری /müşahidə etmək/ (مشاهده کردن) بیشتر در نتیجه استعاره مفهومی و بسط معنایی است. نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر نشان داد که فعل دیداری مورد پژوهش زبان ترکی آذربایجانی از نظر شناختی معنای اولیه می‌باشد. به این صورت که معنای اولیه فعل دیداری /müşahidə etmək/ (مشاهده کردن) با چشم دیدن است.

بعد از بررسی چندمعنایی و حالت استعاری فعل دیداری /müşahidə etmək/ (مشاهده کردن) مشخص شد که برای فعل دیداری / etmək /müşahidə (تماشا کردن) حدود ۶۳ کاربرد وجود دارد و ۱۵ معنا، یک معنای اولیه و ۱۴ معنای حاشیه‌ای. این معنای بعد از طبقه‌بندی و انتزاع گونه‌های بافتی به صورت زیر است: yoluxmaq (عیادت کردن)، arqamaq (بررسی کردن)، göz goımaq (نظارت کردن)، göznəmək (انتظار کشیدن) و gölmaq (پاییدن) his etmək (حس کردن)، dərək etmək (درک کردن)، təcürbə etmək (تجربه کردن)، sondamaq (تعقیب کردن)، dolanmaq (گردش کردن)، göz ləmək (رعایت کردن)، tapmaq (یافتن)، qəbul etmək (پذیرفتن) و çöi xıtmət (اعتنا کردن).

مطالعات انجام شده در این تحقیق مشخص کرد که چندمعنایی پدیده‌ای نظام‌مند بوده و عواملی همچون استعاره، بسط معنایی و مجاز در شکل‌گیری و توصیف آن دخیلند و این امر باعث بسط معنایی و در نتیجه چندمعنایی فعل می‌شود و استعاره نقش پررنگ‌تری نسبت به مجاز در شکل‌گیری چندمعنایی و کاربرد آن فعل در بافت‌های گوناگون دارد. یافته‌ها نیز نشان می‌دهند که چندمعنایی امری تصادفی نبوده و بر پایه‌ی تجارب ما از مفاهیم مختلف صورت می‌گیرد و معنای واژگان با یکدیگر تفاوت دارند، زیرا از راه‌های متفاوتی درک می‌شوند و معنای اولیه که کاربردش در چندمعنایی است، در واقع معنای اصلی و ثابت یک واژه است.

#### ۷- منابع

- پورابراهیم، شیرین و دیگران، بررسی مفهوم بصیرت در قرآن در چارچوب معنی‌شناسی شناختی، شماره ۵، پژوهش‌های زبان‌شناسی، تهران، (۱۳۹۰).
- راسخ‌مهند، محمد، درآمدی بر زبان‌شناسی شناختی، نظریه‌ها و مفاهیم، تهران، انتشارات سمت، (۱۳۸۹).
- سلطانی‌کفرانی، رضا، رویکردی شناختی به چند معنایی در افعال حرکتی زبان فارسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان، (۱۳۹۱).
- شقایق‌زاده ارزق، حوریه (۱۳۹۲)، بررسی تطبیقی استعاره‌های شناختی اشعار ترکی و فارسی شهریار: دانشگاه پیام نور تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی.
- دهقان، مسعود، توصیف و تحلیل دشواری‌های یادگیری واژگان انگلیسی برای فارسی‌زبانان در ایران از دیدگاه شناختی، پایان‌نامه دکترای تخصصی زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تربیت مدرس تهران، (۱۳۹۲).
- محمدی، معصومه، کاربردهای استعاری بدن واژه‌ها در زبان فارسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی دانشگاه پیام نور استان تهران، (۱۳۸۸).
- محرابی‌کالی، محمد، بررسی معنی شناختی فعل رفتن در غزلیات حافظ، پژوهش‌های ادبی و بلاغی، شماره ۳، تهران، (۱۳۹۳).
- موسوی، سید حمزه و دیگران، بررسی فعل دیدن از منظر معنی‌شناسی قالبی، شماره جاری، جستارهای زبانی، اصفهان، (۱۳۹۳).
- یوسفی‌راد، فاطمه و ارسلان گلفام، زبان‌شناسی شناختی و استعاره، شماره ۱۵، فصل‌نامه تازه‌های علوم شناختی، تهران، (۱۳۸۱).
- Clark, Eve, *universal Categories: on the semantics of classifiers and children's early word meanings*, Saratoga, (1976).
- Ibarretxe-Antunano, I. *Polysemy and metaphor in perception verbs, A cross-linguistic study*, PhD Thesis: University of Edinburgh, (1999).
- Lakoff, George, *Women, Fire, and Dangerous Things: What Categories Reveal about the Mind*, Chicago, the University of Chicago Press, (1987).



- Lakoff, George, **the Contemporary Theory of Metaphor**, Cambridge, Cambridge University Press, (1992).
- Lakoff, George and Johnson, Mark, **Metaphors We Live BY**. London, University of Chicago Press,(2003).
- Lakoff, George and Johnson, Mark, (1980), **Metaphor We Live By**, Chicago, University of Chicago Press.
- Langacker, Ronald, W. **Cognitive Grammar: A Basic Introduction**, Oxford,Oxford University Press, (2007).
- Nechybova, B. **Conceptual Metaphors:From seeing to Uderstanding**, Masaryk University Faculty of Art: Masaryk, (2006).
- Sgöstrom, Sörnfrom, **vision to cognition: A Study of metaphor and Polysemy in Swedish**, Department of Linguistics, Göteborg, Göteborg University, (1998).
- Sweetser, E. **From Etymology to Pragmatics**, Cambridge Studies in Linguistics: Cambridge University Press, (1990).
- Taylor, J. **Linguistic categorization: prototype in linguistic theory**, Oxford Clarendon Press, (1989).